



می خوانند. سال گذشته کاپیتان تیم فوتبال در تقاضانامه کالج خود تقریر نامه ای برای او نوشت. او مقاله اش را با این جملات تمام کرد «سیسیلیا برایم منبع الهام است زیرا علیرغم موانع زیادی که دارد نگرش مثبت را در خود حفظ می کند. او با اینکه افرادی توانا با مهارت های بیشتر او را احاطه کرده اند در انجام تکالیفش تلاش می کند. او ثابت کرد که درون هر یک از ما نیروی بالقوه ای وجود دارد که با زدن تلفنگری به آن فرد را قادر می سازد از دیگران سبقت بگیرد و سرآمد شود.»

آموزش فراگیر واقعاً موقعیت «پیروزمندان» ای است. سیسیلیا در مدت دو سالی که از آموزش تلفیقی برخوردار شده با افتخار و پخته شده است تا جایی که از جانب گروه از او بعنوان سفیران مهمان دعوت می شود. در ماه مارس در کنفرانس منطقه ای سندریم دان بعنوان سفیران در ضیافت نهار دعوت شد و در ماه ژوئیه او در کنفرانس بین المللی آموزش فراگیر سفیران اصلی بود. او در چند ضیافت شام نیز سفیرانی کرده است و در مقابل هیئت مدیره آموزش و پرورش شورای منطقه و هیئت داوران اداره کل آموزش و پرورش ایالات متحده ادای شهادت کرده است. جنبه ناراحت کننده سال گذشته او دو عمل جراحی بوده است که بمنظور صاف کردن خمیدگی شدید ستون مهره هایش بعمل آمد (۷۸ درجه انحنای ستون فقرات). اکنون او بریس در بدن خود دارد و احتمالاً یک سال آن را باید نگه دارد. به رغم این موضوع او دارای روح بزرگی است و بر هر چیزی غلبه می کند. پس از فارغ التحصیل شدن از دبیرستان دو کالج او را پذیرفت و دو تقاضا برای کالج های دیگر خواهد داد. سال قبل حتی نمی توانست به این موضوع فکر کند و اکنون این امر به واقعیت تبدیل شده است باور نکردنی است

خانواده پلیز

منطقه موناگری، مریلند



نکاتی پیرامون آموزش فراگیر

واکنش های سایر دانش آموزان نسبت به تلفیق

مترجم حمیده طباطبایی

نامه ای از یک والد در کریسمس

کریسمس ۱۹۹۴

دوستان عزیز،

فیر جالب، فیر جالب! خانواده پلیز یک سال دیگر را پشت سر گذاشت. از بسیاری جهات امسال بهترین سال برای سیسیلیا بوده است. او در مدرسه و در زندگی شخصی اش شکوفاتر و رشد کرد. با دیگر او در دبیرستان واقع در زاگواش بطور کامل در کلاسهای عادی شرکت کرد و سال گذشته در ترم دوم چهار نمره الف گرفت، از جمله در درس انگلیسی. او بار دیگر در گروه کمر مدرسه بود و با این گروه سفری به دنیای ریسمی کرد تا در رقابتی سراسری آواز بخواند ... در هفدهمین سالگرد تولدش یکی از بازیکنان فوتبال کارت تبریک تولدی به او داد که در آن نوشته بود «سیسیلیا». از اینکه دوست فیلی فوبی برایم بودی، متشکرم، تو رمز شاد کردن اطرافیان را میدانی. به لطفن زدن ادامه بده. آنان کارت را به سیسیلیا دادند در حالی که آهنگ «تولد مبارک» را



خواهد بود.

همسالان دانش آموز تلفیقی می‌توانند بخشی لاینفک از روند آموزش فراگیر باشند البته این امر با حمایت‌های اجتماعی از دانش‌آموزان در محیط مدرسه میسر است. برنامه‌های تدوین شده برای دانش‌آموزان تلفیقی در ایجاد محیطی با حمایت اجتماعی شامل حال همسالان آنان در آموزش عادی می‌شود. یک چنین برنامه‌ای به نام جمع دوستان^۱ می‌باشد.

جمع دوستان شیوه‌ای منسجم است که در آن گروهی از دانش‌آموزان عادی داوطلب می‌شوند به «جمع دوستان» ملحق شوند زیرا در غیر اینصورت دانش‌آموزان دچار انزوا خواهند شد.

مشکلات آموزش فراگیر

بسیاری از خانواده‌های دانش‌آموزان معلول گزارش می‌کنند که جایگزینی در آموزش فراگیر بسیار موفقیت‌آمیز بوده است. آنان اظهار می‌کنند که با حمایت و خدمات مناسب در محیط مدرسه

برخی والدین گزارش می‌کنند معلمان آموزش استثنایی بعنوان مانع در آموزش فراگیر می‌باشند.

عادی محله‌شان، فرزندان آنان پیشرفت‌های تحصیلی و اجتماعی خارق‌العاده‌ای کرده‌اند. با این وجود والدین خاطر نشان می‌کنند که تلاش‌های مهمی در برخی مدارس و مناطق انجام داده‌اند تا به محیط تلفیقی موفق دست یابند.

¹ Circle of friend = محفل دوستان. حلقه دوستان

بسیاری از والدین و همین‌طور مربیان مدرسه در مورد چگونگی برخورد دانش‌آموزان (عادی) با دانش‌آموزان تلفیقی، نگران هستند. تحقیقات نشان داده است که آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان عادی نیز مفید بوده است. برای مثال مطالعات ثابت کرده است که همسالان آموزش عادی در محیط تلفیقی بیشتر پذیرای افراد دارای معلولیت بطور عام و دانش‌آموزان دارای معلولیت بطور خاص می‌شوند (ولتز، ۱۹۸۰، ۱۹۸۲؛ کیشی، ۱۹۸۸؛ ایوانز و دیگران، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ CRT بعلاوه آنان پی‌برده‌اند دانش‌آموزان مدارس عادی توانایی‌شان در کاربرد مهارت‌ها و حل مشکل در موقعیتهای واقعی زندگی افزایش می‌یابد (سالیبوری و پالمبارو ۱۹۹۳)، تحمل‌شان در مقابل افراد زیاد می‌شود (پک، دانلدسون و بزولی ۱۹۹۰) و از طریق مشارکت با دانش‌آموزان معلول، یا نگاه اجتماعی همتایان‌شان تقویت می‌شود (ساسوورود، ۱۹۸۸).

بطور نمونه والدین گزارش می‌کنند که همشاگردیها دارای روحیه‌ای حمایتی، پذیرا و تربیتی هستند. بهر حال دانش‌آموزان کنجکاو هستند و نیاز دارند به سؤالشان پاسخ داده شود. والدین گزارش می‌دهند که جایگزینی‌ها با موفقیت بالا انجام شده است، معلمان، والدین و سایر کارکنان مدرسه با رویی گشاده پرسشهای دانش‌آموزان را درباره معلولیت، رفتار دانش‌آموز و تغییرات در کلاس، پاسخ می‌دهند. ضمناً والدین متذکر می‌شوند که هر قدر دانش‌آموزان عادی هنگام آشنایی با دانش‌آموزان معلول کم‌سن‌تر باشند، کمتر از آنان می‌ترسند و وجود دانش‌آموزان معلول در کلاس برایشان طبیعی‌تر



دانش آموزان تلفیقی به روشی موزیانه و تحقیق کننده رفتار می‌کنند. معلمان سعی می‌کنند به شما بگویند فرزند شما از عهده این آموزش بر نمی‌آید.

علاوه بر نگرش‌ها و اعتقادات معلم، والدین می‌گویند که برخی معلمان مایل نیستند انطباقهایی را انجام دهند. برخی معلمان معتقدند که معلم رابط تنها کسی است که می‌تواند دانش آموز دارای معلولیت را درس بدهد همه معلمان رابط دوره دیده نیستند، ولی باز هم می‌توان آنان را در تدوین برنامه‌های درسی و انطباقهای آموزشی برای دانش آموزان تلفیقی شرکت داد. به علاوه معلم رابط با کارکردن اختصاصی با دانش آموز تلفیقی، تقریباً او را از همکلاسی‌هایش جدا می‌کند بنابراین دانش آموز مزبور در محیط جداسازی شده قرار می‌گیرد.

والدین باید درک کنند که معلمان آموزش عادی با خانواده‌های بیشتری نسبت به معلمان آموزش استثنایی سروکار دارند

وقتی که برای تلفیق دانش آموزان دارای معلولیت در برنامه آموزش عادی تلاش‌هایی صورت می‌گیرد، ناهمسانی‌های والد می‌تواند مشکلاتی بوجود آورد. مثلاً بسیاری از والدین در مورد فرزند معلول خود حالت دوسویه‌گرایی دارند بدان معنا که می‌خواهند او هم «استثنایی» باشد و هم «عادی».

در هر منطقه و ناحیه والدینی هستند که برای تلفیق فرزندانشان مبارزه می‌کنند در حالیکه برعکس

غالباً نادیده گرفتن این کودکان (جهت حضور در مدارس عادی) وظیفه سنگینی بر دوش والدین می‌گذارد مخصوصاً والدینی که باید با مناطق آموزشی کلنجار بروند که فرزندشان باید در مدرسه عادی تلفیق شود. طبق گزارش یک والد: فرزندم باید در هر مرحله خودش را ثابت می‌کرد مثلاً بعد از اینکه او در کلاس عادی جایگزین شد، به او اجازه ندادند وارد بوفه مدرسه شود تا وقتیکه توانست ثابت کند می‌تواند قوطی شیر را خودش باز کند ... باید هر روز صبح به فرزندم این پیام را بدهم «بایستی با تو سخت کار می‌کردم تا وارد کلاس عادی شوی، بنابراین ناامید و ناراحت نشو». این موضوع برای دخترم تباه کننده و غیر عادلانه است.

والد دیگری اظهار نمود:

تعداد زیادی از ما فرزندانمان را موش‌های آزمایشگاهی کرده‌ایم تا نظام آموزشی را اجباراً در جهت تلفیق سوق دهند. ما از این موضوع احساس گناه می‌کنیم.

برخی والدین گزارش می‌کنند معلمان آموزش استثنایی بعنوان مانع در آموزش فراگیر می‌باشند. مشخص نیست که آیا این معلم است که فی‌نفسه مانع در آموزش فراگیر ایجاد می‌کند یا چون والدین فقط معلمین استثنایی را می‌شناسند باعث ایجاد مانع می‌گردد. زیرا کارکنان مدرسه هستند که بیشترین تعامل را با بچه‌ها دارند.

در عین حال والدین اظهار می‌کنند که معلمان آموزش عادی که نمی‌خواهند کودکان معلول تلفیق شوند سعی می‌کنند والدین را «بترسانند» یا اطمینان می‌دهند که این تجربه ناموفق است. والدین گزارش می‌کنند برخی مربیان با



خانواده‌هایی منحصر بفرد مطلع شوند آن‌ها تنها کسانی نیستند که می‌خواهند فرزندشان تلفیق شود.

● والدین نیاز دارند نسبت به احتمال بهره‌مندی فرزندشان از آموزش فراگیر آزاد اندیش باشند.

● حتی‌الامکان خود را بعنوان چهره و شخصیتی مثبت در مدرسه «بشناسانید». اگر شما فرصت داشته باشید کارکنان و معلمان مدرسه را خارج از جلسات آموزش انفرادی بشناسید آنگاه آسانتر می‌توانید با آنان به روشی عادی از تهدید و خطر و همراه با روحیه همکاری کار کنید. برای خانواده‌هایی که فرزندان دیگری دارند که در مدرسه حضور می‌یابند این کار آسانتر است به هر حال همه والدین باید تلاش زیادی کنند تا در تمام اجتماعات و نشست‌ها و سایر برنامه‌های مدرسه شرکت کنند.

● به معلمان نشان بدهید کاری که آنان برای فرزندان انجام می‌دهند مورد قدردانی شما می‌باشد. آموزش فراگیر یک تغییر است و تغییر کار ساده‌ای نیست. عکس‌العمل‌های ساده شما در مقابل معلمان عادی و استثنایی که آنان را آگاه سازد شما از کارشان سپاسگزاری می‌کنید می‌تواند در پذیرش فرزندان و همینطور سایر دانش‌آموزان تلفیق شده بسیار مفید باشد. در بعضی مدارس معلمان «همدل» یا «مشتاق» (مایل) ممکنست تنها کسانی باشند که دانش‌آموزان دارای معلولیت را در کلاس تلفیق کنند. این معلمان پیشگامانی همراه با والدین هستند و استحقاق قدردانی و سپاسگزاری ویژه را دارند.

● نحوه گفتار خود را از آموزش «استثنایی» و

برخی والدین برای اینکه فرزندانشان در محیط‌های محدود و جداسازی شده باشند، تلاش می‌کنند این امر برای کارکنان مدرسه و معلمان نیز بسیار گیج کننده است.

خوشبختانه هر قدر آموزش فراگیر بیشتر رایج می‌شود، والدین بهتر پی می‌برند که خانواده‌های پیشگام بسیاری از این موانع را از بین برده‌اند.

مسائل مهمی که والدین باید در ارتباط با آموزش فراگیر مورد توجه قرار دهند

● الگوهای ارتباطی واضح، صریح و قابل فهم داشته باشید و درباره مسائل که می‌خواهید با مدرسه ارتباط حاصل نمایید، قاطع و روشن عمل کنید. برخاستگر ولی مؤدب و منطقی باشید. حق و حقوق خود را بشناسید و نگرش مثبت داشته باشید. بطور کلی والدین اظهار می‌کنند با معلمین در آموزش عادی ارتباط کمتر از آنچه در آموزش استثنایی عادت داشتند، دارند والدین باید درک کنند که معلمان آموزش عادی با خانواده‌های بیشتری نسبت به معلمان آموزش استثنایی سرو کار دارند، تلاش فوق‌العاده‌ای باید صورت گیرد تا سطوح ارتباطی رضایتبخشی حفظ شود بدون اینکه مسئولیت بسیار سنگینی بر معلم آموزش عادی تحمیل شود. ارتباط باید نوشتاری، کلامی، رسمی و غیررسمی هم با مربیان عادی و هم با مربیان استثنایی باشد.

● گروه والدین را هم در مدرسه و هم در اجتماع تشکیل دهید تا اهداف برنامه ریزی شود و بصورت یک مجموعه به منطقه ارائه گردد که در نتیجه آموزش فراگیر در سطح گسترده به اطلاع افراد برسد. این در عین حال راهی است برای اینکه



می‌خندند و در واقع دوستانی پیدا کرده است و به جشن تولدهایی دعوت می‌شود و ... او نیمی از روز را در کلاس‌های عادی می‌گذراند ولیکن برای فیزیوتراپی، کاردرمانی، تمرین ارتباط و غیره او را از کلاس بیرون می‌آورند. او در برنامه تربیت بدنی انطباقی شرکت کرد. با وجود اینکه او نمی‌تواند خودش به تنهایی غذا بخورد، به نهارخوری می‌رود تا با دختران همسن و سال خود «معاشرت» نماید. او تا کلاس چهارم در گردشهای علمی شرکت کرده و به خانه همکلاسی‌هایش دعوت شده است. اینها فعالیتها و تجربیاتی است که فکر می‌کردم او هیچگاه نمی‌توانست داشته باشد ولیکن به دلیل تلفیق او فرصت بدست آورد که آنها را تجربه کند. او به نحو معجزه‌آسا خواندن و نوشتن را یاد گرفته است ولیکن اگر چهار سال قبل این شانس به من داده می‌شد و من از تلفیق او در آموزش عادی خودداری می‌کردم چه کسی بازنده بوده است؟

● والدین باید آگاه باشند تشکیل انجمن آنان چگونه بر واکنش منطقه آنان نسبت به تلفیق اثر می‌گذارد. والدین دانش‌آموزان تلفیق شده که می‌بایست به اجتماعات (مناطق) جدیدی نقل مکان می‌کردند مدارسی که جمعیت دانش‌آموزان آنها متفاوت‌تر^۱ هستند بنظر می‌رسید بیشتر پذیرای فرزندانشان بوده است. یعنی متفاوت بودن در آن مدارس امری عادی بوده است. در مقابل والدینی که به مدارس همگن‌تر از لحاظ نژادی و فرهنگی رفتند پی‌برده‌اند تلفیق فرزندان بسیار دشوارتر بوده است.

۱- شاید منظور این است، نژادهای مختلف در آن مدرسه‌ها هستند.

«عادی» به «حیطه وسیعی از انتخابها» تغییر دهید. این کار به اشاعه مبارزه کمک می‌کند، مبارزه‌ای که میان والدین دانش‌آموزان تیز هوش و سرآمد و والدین دانش‌آموزان معلول در جریان است. گروه اول خواستار جایگزینی جداسازی شده برای فرزندان‌شان می‌باشند گروه دوم می‌خواهند فرزندان‌شان تلفیق شوند.

✳ والدین نیاز دارند نسبت به احتمال بهره‌مندی فرزندان‌شان از آموزش فراگیر آزاد اندیش باشند.

والدین مانند معلمان ممکن است بدلیل ترس از چیزی ناشناخته یا بی‌میلی به رها کردن نظامی که در هر صورت دستیابی به تحصیل در محیطی امن را برای میلیونها کودک فراهم کرده است، نخواهند نوع آموزش را تغییر دهند. با این وجود «دستیابی» همان «بهترین نتیجه ممکن» نیست.

والدی که در گفتگویی در خصوص آموزش فراگیر شرکت کرده بود اظهار نمود چگونه احساس او راجع به تلفیق تغییر کرده است به محض اینکه دخترش در آن شرکت کرد: دخترم ۱۰ سال دارد و در چهار سال گذشته در مدرسه ابتدایی «عادی» رفته است. او از چهار سال قبل که برنامه فراگیر به اجرا درآمد، در آن شرکت کرد. او معلولیت جسمی شدید دارد و مهارتهای ارتباطی اصلاً ندارد و به او برجسب عقب‌مانده عمیق زده شده است. با این وجود او در این مدرسه و در این برنامه گوی سبقت را از همه ربوده است. وقتی که او با سایر دانش‌آموزان ارتباط دارد نه مورد تمسخر قرار می‌گیرد و نه به او